

غزل شماره ۱۰۱

شراب و عیش نمان چیست؟ کارِ بی بنیاد

زدیم بر صفِ زندان و هر چه بادا باد

کره ز دل بکشاوز سپریاد مکن

که فکر بیچ مهندس چنین کره نکشاد

ز انقلابِ زمانه عجب مدار که چرخ

از این فسانه هزاران هزار دارد یاد

قدح به شرط ادب کیرزان که ترکیش
ز کاسه سرجمشید و بهمن است و قباد

که آگه است که کاووس و کی کجارقند؟
که واقف است که چون رفت تحت جم، برباد؟

ز حسرت لب شیرین هنوز می بینم
که لاله می دمد از خون دیده فرهاد

مگر که لاله بدانست بی وفایی دهر
که تا بزد و بشد، جام می ز کف تنهاد

یایا که زمانی ز می خراب شویم
مکر رسیم به کنجی در این خراب آباد

نمی دهند اجازت مرا به سیر سفر
نسیم بادِ مُصَلّا و آبِ رُکنِ آباد

قدحِ مکیرِ چو حافظِ مکر به ناله چنگ
که بسته اند برابرِ شتمِ طربِ دلِ شاد

تفسیر فال

در دنیای رویاها و خیالپردازی‌ها غرق شده‌ای و افکار و آرزوهایت همچون دریایی بی‌پایان و دور و دراز به نظر می‌رسند. این آرزوها، هر یک به نوعی نشانی از امیدهای تو هستند که در دل داری، اما گاهی اوقات ممکن است احساس کنی که وقت گران‌بهایت را صرف خیالپردازی‌های بی‌پایان می‌کنی. هیچ‌کس آنقدر عمر نمی‌کند تا بتواند به تمامی آرزوهایش دست یابد؛ بنابراین بهتر است در همین فرصت کوتاهی که در این جهان زندگی می‌کنی، از لحظات زندگی‌ات لذت ببری. مهم است که بدانی آنچه برایت مقدر شده است، حتماً به تو خواهد رسید؛ پس با امید و ایمان به آینده‌ای روشن‌تر، سعی کن هر روز را با شکرگزاری آغاز کنی و از زیبایی‌های پیرامون خود بهره ببری.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)